

پایه: دهم	معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش	محتوای نوشتاری: زبان قرآن
درس: هفتم	دفتر آموزش متوسطه نظری	رشته: مشترک
سال تحصیلی: ۹۹-۱۰۰	دبیرخانه راهبردی کشوری درس عربی	نام طراح: معصومه پویا

### عنوان - موضوع:

محتوای نوشتاری درس هفتم (یا مَنْ فِي الْبَحْرِ عَجَائِبُهُ) کتاب عربی پایه دهم رشته ریاضی - تجربی

### اهداف:

- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- حروف جار را بشناسد و بتواند معنا کند و بکار ببرد.
- مجرور را بشناسد و در متن درس مشخص کند.
- نون وقایع را بشناسد و در افعال دارای نون وقایع آن را مشخص کند.
- بتواند گفتگویی مانند حوار درس در گروه های دونفره اجرا کند.
- مترادف و متضاد را در بین جملات مشخص و معنا کند.

### چکیده نکات مهم درس:

- ترجمه درس
- مشخص کردن جار و مجرور و ترجمه صحیح
- جدا کردن نون وقایع
- حل تمارین

### ترجمه متن:

تو کسی هستی که بزرگیات در آسمانها و توانائیات در زمین و شگفتیهایت در دریاهاست. ای کسی که شگفتیهایش در دریاهاست. اعضای خانواده فیلم جالبی درباره دلفینی که انسانی را از غرق شدن نجات داد و او را به ساحل رساند می بینند. حامد: باور نمی کنم این کاری خارق العاده است. خیلی به حیرت می اندازد. پدر: پسرم! عجیب نیست؛ زیرا دلفین در دریاها دوست انسان است. صادق: پدرم! باور کردنش سخت است؛ ما را با این دوست آشنا کن. پدر: او حافظه قوی دارد و شنوائیش ده برابر نسبت به انسان برتری دارد و وزنش تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد و از دسته حیوانات پستان داری است که بچه هایش را شیر می دهد. نورا: او حیوان باهوشی است که کمک به انسان را دوست دارد! اینطور نیست؟

پدر: بله؛ حتما. دلفین‌ها می‌توانند ما را به محل سقوط هواپیما یا محل غرق شدن کشتی راهنمایی کنند.

مادر: دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند و هر آنچه از شگفتی‌ها و رازها در زیر آب است کشف می‌کنند و به انسان در پیدا کردن محل‌های جمع شدن ماهی‌ها کمک می‌کنند.

صادق: دلفین‌ها را دیده‌ام که حرکت‌های دسته جمعی انجام می‌دهند.

مادر: بله؛ در دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تاکید می‌کنند که دلفین‌ها می‌توانند با بکار گرفتن صداهای مشخصی حرف بزنند. او (دلفین) مانند پرندگان آواز می‌خواند، مانند کودکان گریه می‌کند، صوت می‌زند و مانند انسان می‌خندد.

نورا: آیا دلفین‌ها دشمن دارند؟

پدر: البته؛ دلفین‌ها کوسه ماهی را دشمن خود به شمار می‌آورند. هرگاه آن را ببینند سریع اطرافش جمع می‌شوند و با بینی‌های تیز خود به او ضربه می‌زنند و آن را می‌کشند.

نورا: و آیا واقعا دلفین انسان را دوست دارد؟

پدر: بیا در اینترنت این خبر را بخوانیم: ...جریان آب مردی را به شدت به اعماق [دریا] کشید؛ آن مرد بعد از نجاتش گفت: چیزی مرا با نیرویی به سمت بالا برد سپس مرا به ساحل برد و هنگامی که خواستم از نجات دهنده‌ام تشکر کنم کسی زانیافتم ولی دلفین بزرگی را دیدم که نزدیک من در آب با خوشحالی می‌پرید.

مادر: بدون شک دریا و ماهی‌ها نعمت بزرگی از جانب خدا هستند.

پیامبر ﷺ فرمودند: نگاه به چیز عبادت است: نگاه به قرآن، نگاه به چهره پدر و مادر و نگاه به دریا

### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ:

۱. دلفین از حیوانات پستان‌داری هست که بچه‌هایش را شیر می‌دهد. ✓
۲. کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کند. ✗
۳. شنوایی انسان ده برابر برتر از شنوایی دلفین است. ✗
۴. کوسه ماهی دوست انسان در دریاست. ✗
۵. کوسه ماهی دشمن دلفین‌ها است. ✓
۶. دلفین‌ها بینی‌های تیزی دارند. ✓

## اعلموا:

- از، در، به، به سوی، تا، بر، روی، به وسیله، ...
- در زبان فارسی به این کلمات چه می‌گوییم؟ **حرف اضافه**
- دلیل وجودشان چیست؟ **کامل کردن و تمام کردن معنای جمله**
- به تنهایی جمله را کامل می‌کنند؟ **نه؛ به کمک اسمی که بعد از خودشان می‌آید.**
- به آن اسم چه می‌گوییم؟ **متمم (کامل و تمام کننده)**
- مثال:

خانواده فیلمی **درباره دلفینی** که انسانی را **از غرق شدن** نجات داد و **به ساحل** رساند می‌بینند.

آبی: حرف اضافه      قرمز: متمم

## دقت کن:

- يُشَاهِدُ أُسْرَةَ فِلْمًا عَنِ الدُّفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ وَ أَوْ صَلَّى إِلَى الشَّاطِئِ.
- در زبان عربی به **حرف اضافه: جار** متمم: **مجرور به حرف جر** حرف اضافه و متمم: **جار و مجرور** گفته می‌شود.

مهمترین این حروف در زبان عربی:

مِنْ: از

أَسَاوَرَ مِنْ فِضَّةٍ

فی: در

الْجَنَّةُ فِي الصَّدَقِ.

إِلَى: به، به سوی، تا

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى  
فَأَنْظَرُوا إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ

عَلَى (عَلَى): بر، روی، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ.

الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمُنْصَدَةِ.

نکته: «عَلَى + ضمیر» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا.

بِ: به وسیله، در

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

الَّذِي خَلَقَ بِالْقَلَمِ

لِ: برای، از آن (مال)، داشتن

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ.

■ عَنْ: از، درباره

هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ  
وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ

■ ك: مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى النَّاسِ

■ **اختبر نفسك:**

۱. دانش بهتر از ثروت است. دانش از تو مراقبت می کند و تو از ثروت مراقبت می کنی.

المال: مفعول

العلم: مبتدا

خير: خبر

في الأرض: جار و مجرور

۲. بگو در زمین بگردید.

نون الوقاية

أَخَذَنِي

يُحَيِّرُونِي

وقتی که فعلی به ضمیر «ي» متصل می شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می شود.

أَرْفَعَنِي: مرا بالا ببر

يَعْرِفُنِي: مرا می شناسد

أَخَذَنِي: مرا برد

يُحَيِّرُونِي: مرا حیران می کند

■ **اختبر نفسك:**

۱. پروردگارا مرا برپادارنده نماز قرار ده.

۲. پروردگارا به من سود برسان نسبت به آنچه که به من آموختی و به من بیاموز هر آنچه که به من سود می رساند.

۳. براستی که خداوند مرا فرمان داد با مردم مدارا کنم، همانطور که برپا داشتن نماز را بر من فرمان داده بود.

۴. پروردگارا مرا بسیار شکر گزار و بسیار شکیبا قرارده و مرا در چشمم کوچک و در چشمان مردم بزرگ گردان.

■ **حوار:**

گفتگویی با مدیر داخلی خدمات هتل

**گردشگر:** ببخشید؛ چه کسی مسئول تمیز کردن اتاق ها و نگهداری از آنهاست؟

**مسئول پذیرش:** آقای دمشقی مدیر داخلی خدمات اتاق های هتل است. مشکل چیست؟

**گردشگر:** اتاق‌ها تمیز نیستند و کمبودهایی در آنهاست.

**مسئول پذیرش:** از شما معذرت می‌خواهم. لطفا استراحت کن؛ با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت.

مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس می‌گیرد و مدیر داخلی همراه مهندس تعمیرات می‌آید.

**مدیر داخلی خدمات هتل:** دوست من مشکل چیست؟

**گردشگر:** اتاق من و اتاق همکارانم تمیز نیستند و کمبودهایی است.

**مدیر داخلی خدمات هتل:** کارگران نظافت خواهند آمد؛ مشکلات دیگر چیست؟

**گردشگر:** در اتاق اول تختی شکسته است. در اتاق دوم یک ملحفه کم است و در اتاق سوم کولر کار نمی‌کند.

**مدیر داخلی خدمات هتل:** از شما معذرت می‌خواهم. همه چیز را سریع تعمیر خواهیم کرد؛ به روی چشم

**گردشگر:** چشم‌ت سلامت

### تمرین اول:

۱. هنگامی که جریان برق قطع می‌شود همه جا در تاریکی فرو می‌رود. ✓
۲. طاووس از پرندگان آبی است که بالای کوه‌های یخی زندگی می‌کند. ✗
۳. دانشنامه؛ لغتنامه بسیار کوچکی است که اندکی از دانش‌ها را در برمی‌گیرد. ✗
۴. ساحل منطقه‌ای خشک در کنار دریاها و اقیانوس‌هاست. ✓
۵. بینی عضو تنفس و بویایی است. ✓
۶. خفاش پرنده‌ای از دسته پستانداران است. ✓

### تمرین دوم:

۱. پدرم برای خواهر کوچکم دستبندهایی از طلا خرید. **أساور**
۲. هر دانش‌آموزی نقشش را با مهارتی کامل بازی می‌کرد. **دور**
۳. دانش‌آموزان گفتند: به شانزده سالگی رسیدیم. **بَلْغْنَا**
۴. بادهای شدیدی وزیدند و جریانی در آب اقیانوس رخ داد. **حَدَّثَ**
۵. تو را به خواندن کتابی درباره تقویت حافظه سفارش می‌کن زیرا تو خیلی فراموشکاری. **الذَّاكِرَة**
۶. همکلاسی بسیار باهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد. **قَفَزَ**

### تمرین سوم:

۱. و به رحمت مرا در [ردیف] بندگان شایسته‌ات وارد کن. بِرَحْمَةٍ / فِي عِبَادٍ
۲. و ما را بر قوم کافران یاری کن. عَلَى الْقَوْمِ
۳. ادب انسان از دارایش بهتر است. مِنْ ذَهَبٍ
۴. تو باید خدا را یاد کنی؛ زیرا او روشنایی دل است. بِذِكْرِ
۵. زیبایی دانش پراکندن [یاد دادن] آن است. نتیجه‌اش عمل کردن به آن است. بِهِ

### تمرین چهارم:

بَعَثَ = أَرْسَلَ	صَغَارٌ ≠ كِبَارٌ	شَاطِئٌ = سَاحِلٌ
بَكَى ≠ ضَحِكَ	أَقَلٌّ ≠ أَكْثَرٌ	ضَوْءٌ ≠ ظَلَامٌ
بَعُدَ = قَرُبَ	بَعْتَةٌ = فَجَاءَتْ	كَتَمَ = سَتَرَ
	دَفَعَ ≠ اسْتَلَمَ	

### تمرین پنجم:

کوچک‌ها: صِغَارٌ	اینطور: كَذَلِكَ	تیز: حَادَّةٌ	پدیده: ظَاهِرَةٌ
سوت می‌زند: صَفَرُوا	روغن‌ها: زُيُوتٌ	نقش: دَوْرٌ	شنوایی: سَمْعٌ
جالب: رَائِعٌ	نجات دهنده: مُنْقِذٌ	نامیدیم: سَمَّيْنَا	دست‌بند: سِوَارٌ
گرم و صمیمی: حَمِيمٌ	برف‌ها: ثُلُوجٌ	حافظه: ذَاكِرَةٌ	پستاندار: لَبُونَةٌ
پرنندگان: طُيُورٌ	رسانید: أَوْصَلَ	باران بارید: أَمَطَرَ	بخشید: عَفَا
می‌رسند: يَبْلُغْنَ	آواز خواندید: غَنَيْتُمْ	گریه کرد: بَكَى	
	الدَّهْرُ يَوْمَانٍ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ		

### تمرین ششم:

۱. کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم. الْكَافِرُ: فاعل
۲. همنشینی با دانشمندان عبادت است. مُجَالَسَةٌ: مبتدا
۳. خوب پرسیدن نیمی از دانش است. حُسْنٌ: مبتدا
۴. دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است. الْعَالِمُ: مبتدا
۵. هرگاه انسان بمیرد عملش از او قطع می‌شود بجز سه کار: صدقه جاریه یا دانشی که از آن بهرمنند می‌شود یا فرزند نیکوکاری که برایش دعا می‌کند. الْإِنْسَانُ: فاعل

### أنوار القرآن:

۱. پروردگارا به من دانش ببخش و مرا به نیکوکاران پیوند ده. لي: به من الصَّالِحِينَ: نیکوکاران
۲. و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار بده؛ اجْعَلْ: قرار بده جَنَّةِ النَّعِيمِ: بهشت پرنعمت
۳. و روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، رسوایم مکن؛ يَوْمٌ: روزی يُبْعَثُونَ: برانگیخته می‌شوند
۴. روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی‌رسانند؛ لا يَنْفَعُ: سود نمی‌رسانند بَنُونَ: فرزندان